

شرق

دو قلمبندگو از سوی محیط زیست همدان به دامپرزشکی تحویل داده شدند تا پس از بهبودی به آغوش طبیعت بازگردانده شوند. عکس: ایمان حامی‌خواه، مهر



زیر آسمان ایران

پیدا و پنهان زندگی کولبری

کارفرمایان یا همان صاحبان بار، قاطرداران و در نهایت کولبران. بیشترین سود در این مسیر نصیب صاحبان بار می‌شود. هرچه نقدبنگی و تعداد سنفارش‌دهندگان بیشتر باشد، آنها با بنیه قوی‌تری جلو می‌آیند و کولبران بیشتری را به خدمت می‌گیرند.

دسته دوم در این جدول صاحبان حیوانات باربر هستند که قاطرهای خود را که ارزشی بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان دارد، شبانه بین یک تا سه میلیون تومان اجاره می‌دهند. قاطرها در جابه‌جایی این بارها نقشی عمده ایفا کرده و در هر نوبت تا صد کیلو بار با خود حمل می‌کنند؛ در حالی که هر کولبر در نهایت بین ۳۰ تا ۳۵ کیلو بار بر پشت خود حمل می‌کند. کولبرها آخرین گروه این جدول هستند. آنها در هر نوبت حمل بار بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان مزد دریافت می‌کنند. اما این همه ماجرا نیست. این حرفه برای تمام اعضای این چرخه همراه با مشکلات بسیار و خطرات جدی است. نیروهای مرزبانی حسب وظیفه خود، همواره در دل کوه‌ها به حالت کمین هستند. وظیفه آنها طبق قوانین رسمی، جلوگیری از ورود و خروج هرگونه کالای قاچاق است. در همین کمین‌هاست که بسیاری از دو سوی ماجرا آسیب جدی می‌بینند. در این شرایط معمولاً حیوانات باربر نیز به راحتی هدف گلوله قرار

شغل مولدی وجود ندارد، تنها گزینه برای بقای ساکنان آن نواحی است، گرچه کشاورزی، باغداری و دامداری از جمله مشاغل غالب استان محسوب می‌شوند، اما کوهستانی بودن، عدم بارش کافی، کمبود آب برای کشاورزی، افزایش جمعیت، اندک‌بودن حجم و حاصل محصولات و نیز تبعات باقی‌مانده از سال‌های جنگ از جمله موانع جدی برای حذف حرفه کولبری است.

شغل مولدی وجود ندارد، تنها گزینه برای بقای ساکنان آن نواحی است، گرچه کشاورزی، باغداری و دامداری از جمله مشاغل غالب استان محسوب می‌شوند، اما کوهستانی بودن، عدم بارش کافی، کمبود آب برای کشاورزی، افزایش جمعیت، اندک‌بودن حجم و حاصل محصولات و نیز تبعات باقی‌مانده از سال‌های جنگ از جمله موانع جدی برای حذف حرفه کولبری است.

کولبران اغلب به شکل‌های مختلف در این حرفه ظاهر می‌شوند. ابتدا

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹ • ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۲ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۸۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۲

اذان صبح فردا ۵:۳۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

دو قلمبندگو از سوی محیط زیست همدان به دامپرزشکی تحویل داده شدند تا پس از بهبودی به آغوش طبیعت بازگردانده شوند. عکس: ایمان حامی‌خواه، مهر



گرفته و کشته می‌شوند.

در این میان حاشیه‌هایی هست که به اندازه متن اهمیت دارد.

برخی از صاحبان بار با پرداخت رشوه‌های کلان موفق به عبور بار خود به شکل ایمن می‌شوند. اگر باری توسط مأموران مرزی توقیف شود، باربر کمتر با شخص کارفرما دچار اصطکاک می‌شود. اما اگر باری به هر شکل دچار آسیب شود، مثلاً پای کولبر یا قاطردار بلغزد و کالا از دست برود، کولبر موظف به پاسخ‌گویی و جبران خسارت است. از سوی دیگر در صورتی که گروه کولبران کمین بخورند و قاطرها در درگیری کشته شوند که هرساله چنین حوادثی بسیار رخ می‌دهد، صاحبان حیوانات ضرر درخور توجهی کرده، سرمایه کاری خود را از دست می‌دهند. در این چرخه نگهدیانی هستند که پیشرو این گروه بوده و برای شناسایی کمین‌ها، زودتر از بقیه اعضا و جلوتر حرکت می‌کنند. اصطلاحاً کمین‌خوردن، موجب مرگ همین نگهدیانات می‌شود.

اما این همه ماجرا نیست. فرماندهان مرزبانی با اشراف بر مشکلات جدی معیشتی کولبران و نبود شغل، اغلب با اغماض و چشم‌پوشی سعی در ایجاد از دو سوی ماجرا آسیب جدی می‌بینند. در این شرایط کمترین درگیری دارند. اما دو مورد به‌هیچ‌عنوان قابل

ترحم نیست؛ قاچاق سلاح و مشروبات الکلی. گفته می‌شود بار اصلی برخی کولبران اسلحه و مشروب است و یکی از دلایل برخورد شدید با برخی گروه‌های کولبری همین موارد است. به‌خصوص ورود غیرقانونی سلاح می‌تواند به شکلی تدریجی، منجر به فاجعه‌ای غیر قابل کنترل شود. همچنین لزوم مراقبت جدی از مرزها برای جلوگیری از هرگونه حادثه‌ای همچون ورود نیروهای داعش، تروریست یا... از دیگر دلایل بروز درگیری‌های مرزی است.

اما زنان در نامه خود می‌گویند دولت بریتانیا

برای این اجلاس از برابری جنسیتی ۵۰-۵۰ بین زنان و مردان سر باز زده است. چندی‌پیش در جریان برگزاری اجلاس سران در سازمان ملل، انتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل نیز نسبت به غیبت رهبران زن هشدار داد. از بین ۱۹۰ رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیری که به نمایندگی از کشورشان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سخنرانی کردند فقط ۹ نفر زن بودند. گوترش گفت زنانی که شاهد سخنرانی‌ها بودند «کاملاً حق دارند احساس کنند که نماینده‌ای ندارند و صدای آنها شنیده نمی‌شود.» او «تابرابری جنسیتی» را بزرگ‌ترین چالش حقوق بشر خواند. در کنفرانس معروف سال ۱۹۹۵ که

زنان

رعایت برابری جنسیتی در اجلاس آب‌وهوایی

در پکن، پایتخت چین برگزار شد، ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل توافق کردند که «مشارکت کامل و برابر زنان در زندگی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و ریشه‌کن‌کردن تمام اشکال تبعیض جنسیتی» را در اولویت قرار دهند. بسیاری از دیپلمات‌ها از اینکه اکنون جهان در عمل به این بیانیه مهم دچار مشکل شده، ابراز تأسف کرده‌اند. این حقیقت تلخ چندی است که با گسترش ویروس کرونا و قرنطینه و خانه‌نشینی بیشتر خود را نشان داده است به طوری که میشل باشله، رئیس سازمان حقوق بشر سازمان ملل نیز پیش‌تر تأکید کرده بود جهان باید به «افزایش وحشتناک خشونت علیه زنان و دختران» طی بیماری همه‌گیر کووید۱۹ پایان دهد. وی این خشونت را «جنگ پنهان علیه زنان» توصیف کرد و افزود: «برای پیشگیری از این خشونت و پایان‌دادن به آن به همان اندازه تعهد و منابع نیاز داریم که برای مبارزه با اشکال دیگر جنگ».

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۲ آذر ۱۳۹۹ • ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۲ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۸۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۲

اذان صبح فردا ۵:۳۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

چند روز پیش در افغانستان یک گوینده زن رادیو و تلویزیون و فعال مدنی هدف ترور قرار گرفت و جان باخت. این اتفاق در جلال‌آباد رخ داد و چندمین عملیات تروریستی در ماه‌های اخیر در افغانستان است که هدفش چهره‌های رسانه‌ای یا اماکن آموزشی و دانشگاه است. نگاهی به اهداف حملات طالبان در چند ماه اخیر نشان می‌دهد که آنها هم‌زمان در دو جبهه در افغانستان در حال انجام عملیات هستند. ولی پیش از این بگذارید نگاهی به وضعیت طالبان در افغانستان ببینیم. طالبان در شرایط کنونی از دو زاویه خود را پیروز جنگ می‌داند، نخست در عرصه نظامی احساس می‌کنند که آنها قدرت برتر در خاک افغانستان هستند. هم‌اکنون بیش از ۵۰ درصد خاک افغانستان در اختیار طالبان است و آنها گمان می‌کنند اگر توافقات دوحه اجرایی شود و آمریکایی‌ها نیروی خود را از افغانستان خارج کنند، آنها حتی به شیوه نظامی می‌توانند در افغانستان به قدرت برسند. این تصور کمک کرده که آنها عملیات نظامی خود را هم در منطقه افزایش دهند. عملیات‌هایی که برخی ناظر بر عملکرد آنها در عرصه جنگ است؛ نظیر چیزی که چندی‌پیش در «اشکرگاه» اتفاق افتاد و تلاش بر این بود که هلمند تصرف شده و به مرکز حکومت‌شان تبدیل شود. مسئله دیگر در عرصه عملیات‌های نظامی طالبان در افغانستان به ثورها و بمب‌گذاری‌هایی بازمی‌گردد که چندان در جهت پیشبرد اهداف جنگی و نظامی طالبان نیست و بیشتر رساننده پیام آنها و حکومت‌شان به گوش افغانستان و دنیاست. نظیر آنچه در چند روز اخیر و در بی‌ترور یک گوینده تلویزیونی رخ داده یا عملیات حمله به دانشگاه کابل. هدف طالبان در این دست عملیات‌ها بیشتر خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در افغانستان است. همان‌هایی که در چند وقت اخیر نقش مهمی در افشاکری علیه طالبان داشتند یا افکار عمومی را نسبت به آینده افغانستان طالبانی حساس می‌کنند. علاوه بر چهره‌های رسانه‌ای، نظام آموزشی افغانستان هم اغلب یکی از اهداف حمله طالبان در این دست عملیات‌هاست. در واقع آنها نظام آموزشی فعلی افغانستان را عامل فساد قلمداد می‌کنند و معتقدند باید نظام اسلامی آینده، نظام آموزشی را هم تغییر دهد. بنابراین در چند سال اخیر بسیاری از نمداهای آموزشی افغانستان به‌ویژه مراکزی که به آموزش دختران مربوط است، هدف ترورهای آنها بوده است. اما طالبان در کنار عملیات نظامی در داخل خاک افغانستان در قطر هم استراتژی دیگری را پیش می‌برد. هدف آنها این است که از قدرت نظامی در افغانستان استفاده کنند تا بتوانند در دوحه امتیازی بگیرند. چیزی که در مذاکره با آمریکا‌یی‌ها در دوحه

سلام به فردا

طالبان تغییری نکرده‌اند

به نتایجی هم رسید اما در مرحله بعدی و در مذاکره با دولت افغانستان به مشکلاتی برخورد. در واقع آنها در مذاکره با دولت سنگ‌اندازی‌هایی کرده‌اند که مذاکرات پیش نرود؛ چیزی که بیشتر از نفوذ پاکستان بر طالبان ناشی می‌شود. نفوذ هند در افغانستان و سرمایه‌گذاری کلان آنها در این کشور موجب شده تا پاکستان هم تلاش کند با قدرت‌یافتن طالبان جایی در عرصه قدرت در افغانستان پیدا کند. در این میان گویا برخی گمان می‌کنند که در ماهیت گروه طالبان تغییری رخ داده است. این باور گویا در میان برخی چهره‌های داخلی در ایران هم وجود دارد. طالبان یک گروه ایدئولوژیک است و همین مسئله ایدئولوژیک‌بودن موجب می‌شود که طالبان تغییر ماهیتی کلی در سیاست‌هایش ندهد. بنابراین تصور اینکه طالبان از یک گروه تندروی اسلامی در افغانستان تغییر ماهیت داده اشتباه است. اما در این میان در ذهنیت طالبان برای چگونگی رسیدن به قدرت تغییری ایجاد شده است. این تغییر در جریان مذاکرات طالبان با زلمای خلیل‌زاد رخ داده است. به نظر می‌رسد زلمای خلیل‌زاد توانسته در این مذاکرات ملایراد را قانع کند که طالبان تا روزی که آمریکایی‌ها در افغانستان هستند، به قدرت نمی‌رسد. ولی اگر در روند مذاکره قرار بگیرند می‌توانند با توجه به امتیازاتی که دارند، برنده انتخابات باشند. به هر حال طالبان از انسجام و دست‌بالایی در افغانستان برخوردارند. این در حالی است که دولت وحدت ملی در افغانستان بسیار ناهماهنگ و چندپاره است. آنچه مشخص است طالبان این مسئله را پدیرفته که از طریق نظامی فعلاً نمی‌تواند در افغانستان به قدرت برسد ولی از نظر سیاسی شانس بیشتری دارد؛ چراکه اولا انسجام درونی بیشتری دارند و دوم اینکه مناطق پشتون‌نشین که بالای ۵۰ درصد جمعیت افغانستان را در اختیار دارند، تحت کنترل طالبان قرار دارد؛ به اضافه اینکه در میان قومیت‌های دیگر هم علمیا طرازاولی با طالبان همکاری می‌کنند و آنها در آنجا هم طرفدارانی دارند. بنابراین از هر زاویه‌ای که نگاه کنید آنها می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و رقیب خطرناکی هم باشند. بنابراین اگر خوب دقت کنیم، می‌بینیم که در طالبان به عنوان یک گروه شبه‌نظامی که ما چند دهه است می‌شناسیم، تغییر ایدئولوژیکی رخ نداده است. کمااینکه ترورهای اخیر نشان‌دهنده همین مسئله و اصرار شدید آنها بر بنیان‌های فکری‌شان است. اما در عرصه سیاسی آنها علاوه بر قدرت نظامی به مسئله دیگری هم رسیده‌اند و آن اینکه ممکن است از طریق سیاسی و صندوق رای هم به قدرت در افغانستان برسند. در واقع تنها چیزی که در ذهنیت طالبان تغییر کرده چگونگی دستیابی به قدرت است. طالبان همچنان یک گروه ایدئیکال اسلامی است که با داعش و القاعده ارتباطات تنگاتنگی دارد. همچنان این احتمال وجود دارد که آنها با به‌قدرت‌رسیدن بتوانند اتحادشان با القاعده و داعش را تقویت کنند و به خطری در منطقه تبدیل شوند.

رسانه

جای خالی کاریکاتور در روزنامه‌ها

مسئول و سردبیران، دیگر کاریکاتور را جزئی مهم از روزنامه نمی‌دانند، چه تفاوتی دارد علت اصلی‌اش صرفه‌جویی در هزینه‌ها باشد یا کاستن از خطر توقیف؟ مهم، آن تفکر غلطی است که کاریکاتور و کارتون را بی‌اهمیت و غیرضرور می‌دانند. بخشی مهم از روزنامه‌نگاری معاصر که همیشه کمتر از سایر ستون‌ها و بخش‌های یک روزنامه که نیست هیچ، کام می‌تواند مهم‌تر و تأثیرگذارتر از سایر بخش‌ها هم باشد. کاریکاتور، بخشی جدایی‌ناپذیر از روزنامه‌نگاری است، این موضوع را هر روز باید فریاد زد. کاریکاتور حرف دارد، پیام دارد، تامل و تفکر را برمی‌انگیزاند و قابل فهم و درک برای طیف زیادی از مخاطبان است. هزینه‌ها گر زیاد است، تاوان آن را نباید کاریکاتوریست‌های ایرانی بدهند؛ چراکه بخشی از جایگاهی را که روزنامه‌های منتقد و مستقل در ایران امروز دارند، مدیون تلاش‌ها و کوشش‌های کاریکاتوریست‌هاست و چند برخورد و خوانش نادرست را نباید به بهای حذف آن تمام کرد. خیلی دردناک است در همین صفحه‌ای که این یادداشت در آن منتشر می‌شود، به‌جای کاریکاتور و کارتون، عکس منتشر می‌شود؛ عکسی که گرچه آن هم جای خود را دارد، اما جایش به جای کاریکاتور نباید و نمی‌تواند باشد. خیلی دردناک است که در برخی روزنامه‌ها به‌جای کاریکاتوریست‌های داخلی، آثار کاریکاتوریست‌های خارجی دقیقاً به دلیل نبود قانون کپی‌رایت و احتمالاً رایگان بودن منتشر می‌شود. خیلی دردناک است که در لایه‌های زینتی صفحات از صفحه اول حتی، کارتون و کاریکاتور هر روز کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود و آن چیزی هم که مانده، یا پرتزه است یا آثار تکراری و به‌اصطلاح گولگی!

به نظر می‌رسد مطبوعات ما نیازمند یک بازنگری اساسی در حذف ستون کاریکاتور و کارتون و بازگشت آن به صفحات روزنامه‌ها به قید فوریت است؛ اتفاقی که هرچه دیرتر رخ دهد، لطامت بیشتری به هویت روزنامه‌نگاری امروز ایران می‌زند و آن را از درون خالی از معنا و اعتبار می‌کند. امیدوارم این درخواست کوچک، به یک خواست همگانی در سپهر مطبوعاتی ایران بدل شود. به امید آن روز...

گزارش

کرونا و وضعیت

روانی-اجتماعی ایرانیان

● **فریبا رضایی:** نشست «کرونا و وضعیت روانی- اجتماعی ایرانیان؛ تحلیلی بر یافته‌های سومین نظرسنجی پژوهشگاه درباره کرونا» با حضور دکتر حسین اسکندری، دکتر حسن رفیعی و دکتر محمد سلگی به‌صورت آنلاین برگزار شد. در بخش اول این برنامه محمد سلگی به موح سوم نظرسنجی دیده‌ها مردم درباره کرونا اشاره و درباره موضوعات مهم روان‌شناسی که باید مورد توجه قرار گیرد، اظهار کرد: ما در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات تلاش کرده‌ایم تصویری از این اختلال و بیماری ارائه دهیم که بخشی از مطالعات، مطالعات عام هستند و اثرات کرونا بر حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، دینداری و... بررسی شده، اما تأکید و تمرکز موج سوم این نظرسنجی، بر مسائل و اختلالات روان‌شناختی حاصل از کروناست که در این میان سؤالاتی نیز درباره خانواده پرسیده شده است. تاکنون درباره ابعاد جسمانی و جنبه بیماری‌زایی کرونا بیشتر صحبت شده اما مقوله روان‌شناختی کمتر مورد بحث قرار گرفته است؛ درحالی‌که آثار روانی کرونا ماندگارتر خواهد بود. یکی از مباحثی که روان‌شناسان به آن می‌پردازند، مباحث مربوط به اختلالات روان‌شناسی در دوره کروناست که اهمیت زیادی دارد. در این زمینه پرتعدادترین اختلالی که گفته شده، افسردگی، وسواس، مشکل پتیک و استرس در محیط کار بوده است. نگرانی‌های ناشی از کودکان و خانواده، تغییر عادت‌ها و سبک زندگی، مدیریت روابط زناشویی، آرامش در ایام قرنطینه، انگ اجتماعی ناشی از ابتلا به این بیماری، مسئله کودکان بیمار ذهنی و روانی، خشونت در خانواده نسبت به زنان و کودکان، مسائل مربوط به فرزندپروری در ایام قرنطینه، حمایت از سالمندان، سوگواری در ایام کرونا، اخبار و اطلاعات مربوط به کرونا و شایعات در این زمینه، از جمله مواردی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. ما در پژوهشگاه تلاش کردیم در کنار این نظرسنجی‌ها، کمی عمیق‌تر و دقیق‌تر شویم و در نظر داریم پژوهش‌های کیفی را در باب کرونا با کمک محققان حوزه روان‌شناسی انجام دهیم.

در بخش بعدی برنامه حسین اسکندری درباره متدولوژی و پایه‌های نظرسنجی به ایراد سخن پرداخت و تصریح کرد: برای اینکه یک نظرسنجی بتواند کارایی و کارآمدی خود را داشته باشد، باید بتوان به آن به شکل نظام‌مند نزدیک شد؛ چراکه ممکن است نکته‌ها صرف ارائه آمار و ارقام به ما بکشد، بلکه حتی مباحث انحراف ما نیز بشود. اگر داده‌ها در یک چارچوب کلان‌تر در یک شرایط معین قرار نگیرند، به ما چیزی نخواهند داد. هر داده‌ای با وجود اینکه چیزی را به ما ارائه می‌دهد، درعین‌حال چیزهایی را از ما پنهان می‌کند؛ یعنی بی‌برجسته‌کردن خود، موارد دیگری را ناچیز می‌کند؛ بنابراین اگر این داده‌ها به فهم درنیابند و نشانه‌شناسی نشوند و ما را به سمتی که پنهان است نبرند، ما را دچار مشکل خواهند کرد و در نهایت منجر به توصیه‌هایی خواهند شد که با واقعیت همخوانی ندارند. اولین کاری که داده‌ها باید بکنند، این است که تشکک پیدا کنند؛ حال یا خودشان نظم پیدا می‌کنند یا اینکه ما آنها را به هم وصل می‌کنیم و نظم می‌دهیم. پس داده‌ها یا خود به شکل طبیعی کنار هم قرار می‌گیرند یا به شکل مصنوعی؛ ازاین‌رو داده‌ها باید آرام‌آرام کنار هم قرار بگیرند تا ما به یک‌دیته‌ها دست پیدا کنیم؛ بنابراین باید به اینکه داده‌ها به فهم اجتماعی درآیند و به کمک سیاست‌های کلان کشور بیایند، فکر کرد؛ چراکه علت بیرون‌آمدن داده‌ها هم همین است؛ دادن توصیه‌ها و در مرحله دوم، اقدام و عمل‌بخشیدن به آنها که اگر چنین نباشد، ممکن است داده‌ها کارایی خود را از دست بدهند. حسن رفیعی، سخنران سوم این برنامه، انجام این نظرسنجی و امثال آن را کار ارزشمندی دانست و مهم‌ترین ویژگی آن را انتشار و دسترسی‌پذیرکردن آن برشمرد و در ادامه در نقد این پیمایش اذعان کرد: من همواره وقتی با کارهای تحقیقی این‌چنینی مواجه می‌شوم، این سؤال را می‌پرسم که این کار تا چه اندازه توانسته معرف جمعیت مورد بررسی باشد. درباره این نظرسنجی مسائلی وجود دارد که شاید لازم باشد درباره تکرار آنها مقداری بازبینی شود. مطابق جدول شماره یک این نظرسنجی در ذکر مختصات پاسخ‌گوین، میزان بی‌کاران ۵/۳ درصد اعلام شده، درحالی‌که ما خود در پیمایشی که داشتیم، این رقم ۵/۱۹ درصد بود. این مقدار تفاوت گویای این است که نمونه دچار سوگیری است یا حداقل این است که در این تحقیق صدای بی‌کاران شنیده نمی‌شود. با زمانی که درباره مصرف رسانه‌ای از مردم پرسیده شده، تنها دو درصد گفته‌اند که از ماهواره‌ها استفاده می‌کنند، درحالی‌که خیلی بیشتر از این تعداد است، بنابراین ما صدای آن گروهی را که از شبکه‌های ماهواره‌ای، اطلاعات می‌گیرند، نمی‌شنویم و اینها گروه کمی نیستند. بر این اساس باید تعاریف مشخص و استاندارد را که در منابع معتبر هستند، مورد توجه قرار داد و با استفاده از آنها که معیارهای تشخیص هستند، سؤال‌ها را تنظیم کرد. نکته دیگر این است نقدهایی که در این رابطه صورت می‌گیرد، تصویری به ما می‌دهد که ما می‌توانیم آن را مورد توجه قرار دهیم و با کمک نقدها به اصلاح کار خود بپردازیم.